

فناوری مطلوب در سبک زندگی معاد باورانه

یوسف فرشادینیا*

احمد شه گلی**

مریم مدحج***

چکیده

انسان در سبک زندگی معادباورانه به وجود جهانی فراتر از عالم دنیا معتقد است که در آن، نعمت‌ها و عذاب‌هایی با درجه و دامنه بیشتری بر اساس عملکرد وی در حیات دنیوی شکل گرفته‌اند. از طرفی چنین انسانی با تکنولوژی مدرن جهت‌دار و حامل فرهنگ و منطق خاص مواجه است که با بستر آفرینی موجبات تضعیف معنویت و سبک زندگی دینی می‌شود. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی و تحلیلی می‌کوشد ابتدا آثار تکنولوژی مدرن و در نهایت فناوری مطلوب در سبک زندگی معادباورانه را تبیین کند. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ بر اساس رسالت دین مبین اسلام در مدیریت و تعیین نسبت پدیده‌ها با خود و حرکت به سوی تمدن اسلامی، همچنین وجود دیدگاه‌هایی نظیر؛ ابزاری، استقلالی و تعاملی ویژه رابطه دین و تکنولوژی، نسبت‌سنجی تکنولوژی مدرن و معادباوری به‌عنوان یکی از اصول ادیان توحیدی و مرتبط با تمام شئون حیات انسان موجه می‌شود. دنیامحوری، کثرت‌گرایی، غفلت زایی، اخلاق‌گریزی و پوچی آفرینی از آثار تکنولوژی مدرن است؛ بنابراین ضروری است نسبت خود به‌عنوان انسان دین‌مدار با تکنولوژی مدرن را بر اساس سبک زندگی معادباورانه بازبینی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی.

** استادیار گروه کلام مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران (ahmadshahgoli@gmail.com).

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فیزیولوژی دام، پژوهشگر علوم دینی و دبیر آموزش و پرورش.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

کنیم. ۱. آخرت محوری در بستر دنیا، ۲. وحدت و توحیدگرایی، ۳. غفلت‌زدایی، ۴. اخلاق‌مداری و ۵. پوچی‌زدایی از ویژگی‌های فناوری مطلوب در سبکی زندگی معادباورانه است. بر اساس چنین سبک و نظامی می‌توان در مواجهه با تکنولوژی مدرن دست به گزینش، ابداع و بومی‌سازی فناوری زد.

کلیدواژه‌ها: دین، تکنولوژی مدرن، سبک زندگی معادباورانه، فناوری مطلوب.

بیان مسئله

اساس فناوری‌ها، نیاز و احتیاج است به‌گونه‌ای که به وجود آورنده آن، در پی رفع احتیاجات جوامع انسانی گام برداشته است صرف‌نظر از اینکه این نیازها، نیازهای واقعی هستند یا کاذب. از طرفی هر فناوری در بستر صورت‌گیری مواد موجود یا ممکن‌الوجود شکل می‌گیرد و خود را به بازار زندگی بشر عرضه می‌کند و در این بازار است که انسان‌ها بر اساس باورهای خود، واکنش‌های گوناگونی از خود نشان می‌دهند. به‌گونه‌ای که پاسخ و رفتار یک انسان معادباور و انسانی که باوری جز به زندگی محدود دنیوی ندارد یکسان نیست.

کامپیوتر، اینترنت، موبایل، هواپیما، ماهواره، واکسن، سی‌تی‌اسکن و هزاران نمونه دیگر، نشان از آن دارد که علم و تکنولوژی شیوهٔ زیستن ما در این عصر را رقم زده است. امروزه بهره‌برداری تکنیکی از منابع طبیعی و دگرگونی مصنوعی محیط، چنان ابعادی یافته است که حیات گونه بشر را تهدید می‌کند. این تسلط علمی و تکنیکی بر جهان، ما را از همهٔ اعصار گذشته متمایز می‌کند (منجمی، ۱۳۹۴: ۹۲). اما زمانی این مسئله می‌تواند به چالش مبدل شود که تکنولوژی مدرن را صرفاً دارای جنبه ابزاری ندانیم چرا که دارای ابعاد گوناگون انسانی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و به‌مثابه یک نظام متشکل از علوم و فنون، مبانی، اهداف، روش و کارکرد است (شه‌گلی، ۱۳۹۸: ۱۳۹). آیا برای یک مسلمان دغدغه‌مند راهکاری جهت رفع چالش فوق وجود دارد؟

برای اینکه انسان پرورش یافته در مکتب اسلام به ورطه گمراهی و هلاکت نیافتند نیازمند یک نگهدارنده است تا ضمن توجه به آن، نسبت خود با تکنولوژی مدرن را تعیین نماید؛ لذا در دین مبین اسلام اصلی با نام معاد (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۴) وجود دارد که بسیار مهم و تأثیرگذار

است به طوری که با سایر اصول اعتقادی و نیز با فروع دین، احکام، اخلاق و به عبارتی با همه شئون زندگی انسان و جهان در ارتباط است. اما نکته قابل تذکر، مسئله معادباوری است و نه صرفاً دانش به اصل معاد چرا که هرگز از شناخت سطحی یادگیری عمیق بر نمی‌خیزد (جوادی آملی، بی‌تا: ۱۳). در صورتی این اصل به‌عنوان یک نگهدارنده قوی برای انسان موضوعیت می‌یابد که به درجه باور و ایمان رسیده باشد. شاید این سؤال مطرح شود که آیا تعارضی بین باور به معاد و حضور تکنولوژی‌های مدرن و متنوع در زندگی وجود دارد؟ آنچه قابل تأمل در زندگی انسان معادباور است؛ نحوه و سبک مواجهه و تعامل او با تکنولوژی‌های مدرن جاری و ساری در زندگی روزمره است که روزبه‌روز بر تنوع و کثرت آن‌ها افزوده می‌شود. از طرفی بین غایات چنین انسانی و غایات فناوری‌ها در بسیاری موارد تقابل و تعارض وجود دارد و دلیل آن وجود منطقی و غایات خاص برای تکنولوژی است به طوری که فناوری‌های مدرن بر سبک زندگی افراد تأثیر بسزایی دارد (ر.ک: مارکوز، ۱۳۶۲: ۳۳) از طرفی، معادباوری خود یک سبک خاص از زندگی است و به مانند تکنولوژی، یک مکانیسم تلقی می‌شود که مقایسه معادباوری و تکنولوژی را موجه می‌کند. علاوه بر آن، میان تکنولوژی و معادباوری قرابت‌هایی وجود دارد. در تکنولوژی، دانش برای رسیدن به هدفی عملی به کار گرفته می‌شود (کاتلین وود وارد، ۱۳۸۶: ۱۲۵). معادباوری نیز واجد اهداف اعلائی است از قبیل؛ ترسیم صحیح امیال و آرزوها، برطرف کردن درد و رنج انسان‌ها و هدفمند ساختن زندگی که به مثابه یک فناوری بر جنبه عملی معاددانی تأکید دارد. بر اساس مقدمه فوق پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش‌های ذیل نگاشته شده است که عبارت‌اند از؛

- نسبت معادباوری و تکنولوژی چیست؟
- آثار فناوری مدرن در زندگی انسان چیست؟
- شاخصه‌های فناوری مطلوب در سبک زندگی معادباورانه چیست؟

۱. مفهوم شناسی تکنولوژی (فناوری)

واژه تکنولوژی از ترکیب دو کلمه یونانی «Techne» به معنی فن و هنر و «Logy» به معنای استفاده از خرد در شناخت، ایجاد شده است. هایدگر اولین فیلسوفی است که تکنولوژی را از نظر ماهیت و جنبه‌های مختلف دیگر و با رویکرد فلسفی مورد مذاقه قرار داده است. او معتقد است که برای فهم اصل و ریشه مفهوم تکنولوژی نیازمند نظر به فلسفه یونانی هستیم. چرا که این واژه ریشه

در زبان یونانی داشته و از دو واژه تخنه^۱ و لوگوس^۲ ایجاد شده و دو مفهوم صنعت^۳ با تخنه مرتبط است (هایدگر، ۱۳۷۵: ۳۰). وجود کلیدواژه «لوگوس» نگاه صرفاً ابزاری را از تکنولوژی می‌زداید چرا که لوگوس بر اساس نظر هراکلیتوس به مفهوم عقل و اصل نظام بخش بر گیتی پنداشته می‌شود (Kerferd, 1972: 83-84). سخت‌افزار یا ساختار فیزیکی، نرم‌افزار یا دانش نحوه استفاده از سخت‌افزار و مغزافزار، سه جز وابسته هر تکنولوژی هستند که دلایل استفاده از تکنولوژی به شیوه ای خاص را توجیه می‌نماید و اصولاً ماهیتی فکری، فرهنگی و گاهی حتی ایدئولوژیک دارد (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۹-۳۰).

هایدگر نیز دو تعریف از تکنولوژی ارائه می‌دهد که تعریف نخست، تعریف ابزاری تلقی می‌شود و برای رسیدن به تعریف دقیق، بررسی ماهیت و ذات تکنولوژی و اجزای مرتبط را ضروری می‌داند (هایدگر، ۱۳۷۵: ۹۳). همچنین در خصوص چیستی ماهیت تکنولوژی دو نظر وجود دارد که در نظر اول ماهیت تکنولوژی خنثی و بی‌طرف بوده که در چنین دیدگاهی بر جنبه ابزاری تکنولوژی تأکید می‌شود؛ اما در مقابل، نظری مبنی بر جهت‌داری تکنولوژی وجود دارد. در دیدگاه دوم تکنولوژی نسبت به ارزش‌ها و فرهنگ‌ها بی‌طرف نیست به طوری که چهار ویژگی بارز و مهم ذات مستقل، خودمختاری، جبریت و بی‌قراری (Jonas, 2003: 192-193; Dusek, 2006: 105) برای تکنولوژی معرفی شده است. به نظر می‌رسد در نظری که تکنولوژی را خنثی می‌داند، تکنولوژی با ماهیت تکنولوژی یکی قلمداد شده است. این اشکال را هایدگر متذکر شده است و می‌گوید:

تکنولوژی همان ماهیت تکنولوژی نیست. زمانی که ما در جستجوی ماهیت درخت هستیم بایستی متوجه باشیم، آنچه در همه درختان شمول و نفوذ دارد، خودش همچون درختی نیست که بتوان در میان درختان دیگر با آن روبه‌رو شد. به همین ترتیب که ماهیت درخت، خود درخت نیست، مراد از ماهیت تکنولوژی، هیچ چیز تکنولوژیک نیست (هایدگر، ۱۳۷۵: ۱۸).

بنابراین، برای شناخت ماهیت تکنولوژی باید به دنبال شاخصه‌هایی نظیر جهت‌داری بوده و محدود و غرق در جنبه ابزاری، سود رسانی و... نشویم.

-
1. thechne
 2. logos
 3. teknikum

ویلیام برایان آرتور در کتاب سرشت فناوری در آخرین سؤال خود با عنوان «ما با فناوری کجا ایستاده‌ایم؟» بعد از توضیحاتی در خصوص نسبت ما با تکنولوژی خاطر نشان می‌کند که فناوری به دنبال متناسب کردن جهان با خودش است (Brian Arthur, 2009: 63) و شاید از این جهت برخی عصر مدرن را در تلاش انسان برای رهاسازی دستاوردهای فکری، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... از آموزه‌های دینی معرفی کردند (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۱۳۰) به گونه‌ای که نوعی تقابل در دو ساحت تکنولوژی و آموزه‌های دینی مشهود است. ژان لادریر، تکنولوژی را به طور مسلّم شکلی از کنش می‌داند، اما آن شکل از کنش که عملیات واقعی را در مقوله خاص و مطابق با الگوی خاص ارائه می‌کند، به صورتی که آثار آن عملیات همچون واقعیات جدید، جای خود را در جهان به دست می‌آورند (لادریر، ۱۳۸۰: ۱۰۸). بر اساس این قول، تکنولوژی سبک زندگی خاصی را پی‌ریزی می‌کند و هرگونه نگاه صرفاً ابزاری را از تکنولوژی می‌زداید. چنانچه هایدگر تأکید می‌کند که حقیقت تکنولوژی بنیادی‌تر از تعریف ابزاری و انسان‌مدار تکنولوژی است. وی برای تبیین این موضوع مثال «رودخانه راین» و «نیروگاه آبی» را مطرح می‌کند. نیروگاه آبی به‌عنوان نماینده تکنولوژی در همسایگی رودخانه راین چگونه کنشی از خود بروز می‌دهد؟ هایدگر در تبیین کارکرد رودخانه راین قبل و بعد از نیروگاه آبی چنین می‌گوید: «راین» به‌عنوان آنچه در نیروگاه (همچون اثری فنی) تعبیه شده است و «راین» به‌عنوان آنچه در اثر هنری هولدرلین، در نیایشی با همین نام، بیان می‌شود. ممکن است پاسخ داده شود: اما راین، همچنان رودخانه‌ای در چشم‌انداز طبیعت است. شاید چنین باشد، ولی چگونه؟ فقط به‌صورت شیء حاضر و آماده‌ای که صنعت تورسیم برای بازدید کاروان تورستی عرضه می‌کند (هایدگر، ۱۳۸۹: ۱۷). هایدگر به دنبال تبیین این نکته است که تفکر و نگاه تکنولوژیک، منجر به معدوم ساختن وجوه حیاتی طبیعت و از بین بردن معنای آنچه هست می‌شود. چنانچه هربرت مارکوز در کتاب «انسان تک ساحتی» و در پی پرده‌برداری از حقیقت تکنولوژی و سیطره آن بر انسان و جهان می‌نویسد:

تکنولوژی در برقراری اشکال تازه نظارت و روابط اجتماعی، با اثرات و نتایج روز افزون پیروز شده و تا آن پایه در گرایش توتالیتاریستی خود (تمامیت‌خواهی خود) پیش رفته که حتی کشورهای توسعه نیافته و غیرصنعتی را در خود گرفته است. در برابر وضع توتالیتار جامعه صنعتی معاصر، دیگر سخن از بی‌طرفی تکنولوژی! میسر نیست و نمی‌توان مفهوم تکنولوژی را منحصرأ در مورد فرایندهای فنی و صنعتی به کار برد.

امروزه جامعهٔ تکنولوژیک، تنها جامعهٔ محدود صنعتی به حساب نمی‌آید: جامعهٔ تکنولوژی؛ عبارت است از سیستم حاکمیت و نفوذی که در همهٔ شئون زندگی افراد حتی در اندیشه و دریافته‌شان؛ نظیر امور فنی و صنعتی دخالت می‌کند. شیوه‌ای که جامعه در شکل‌دادن به زندگی افراد خود اعمال می‌کند... (مارکوز، ۱۳۶۲: ۳۳-۳۲).

آنچه در نوشته‌های مارکوز قابل دریافت است اینکه؛ تکنولوژی و جامعه تکنولوژیک سبک زندگی افراد را شکل می‌دهد و ما با چنین تفکری که بر همهٔ وجوه حیات بشری سایه افکننده است مواجه هستیم.

۲. نسبت معادباوری و تکنولوژی

پیش از بررسی نسبت معادباوری و تکنولوژی به تبیین نسبت دین و تکنولوژی می‌پردازیم. سه دیدگاه در خصوص نسبت دین و فناوری وجود دارد: الف) ایزاری؛ ب) استقلالی و دیدگاه ج) تعاملی. از نظر دیدگاه ایزاری، فناوری به‌عنوان ابزار در اختیار انسان‌هاست و این انسان‌ها هستند که بر اساس نیت خود از فناوری بهره می‌برند و فناوری به‌خودی‌خود تعارضی با دین ندارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۶). در دیدگاه دوم فناوری دارای منطق، جهت و فرهنگ خاصی است که بر اساس چنین ماهیتی، انسان‌ها و جهان را تسخیر کرده است (ر.ک: هایدگر، ۱۳۸۹: ۱۷؛ مارکوز، ۱۳۶۲: ۳۲-۳۳). اما در دیدگاه سوم ضمن پذیرش منطق و جهت‌داری فناوری، نقش دین در گزینش، مدیریت و بومی‌سازی موضوعیت می‌یابد. سید محمد مهدی میرباقری در این خصوص می‌گوید:

البته معنی این که ما ناچار هستیم که نسبت خودمان و اسلام با دنیای مدرن و از جمله تکنولوژی و فناوری‌های مدرن را ترسیم و روشن کنیم، فقط از این زاویه نیست؛ که این دنیای مدرن در حال جهان‌گشایی است و به جغرافیای دنیای اسلام هجوم آورده است؛ بلکه از این جهت است؛ که ما مدعی یک تمدن جدید هستیم؛ و در این تمدن جدید باید نسبت خودمان با این محصولات بشری را به‌روشنی تبیین کنیم... (پایگاه اینترنتی میرباقری <http://mirbaqeri.ir>).

بنابراین، وجه مشترک دین و تکنولوژی در این است که فناوری می‌خواهد مجموع فنون عملی‌ای که زندگی عملی انسان را تبیین و سازوکار زندگی عملی انسان را هدایت و رهبری می‌کند؛ فرا بگیرد و دین هم برای همین کار آمده است (همان).

از آموزه‌های بنیادین دین مبین اسلام «معاد» است که در مقایسه با تکنولوژی دارای اهداف مشابهی است. تکنولوژی، علمی برای رسیدن به هدفی عملی، به کار گرفته می‌شود؛ معادباوری نیز واجد اهداف والایی همچون؛ ترسیم صحیح امیال و آرزوها، برطرف کردن درد و رنج انسان‌ها و هدفمند ساختن و تعالی زندگی است که به مثابه فناوری بر جنبه عملی معاددانی تأکید دارد و آموزه‌ای که بر تمام شئون حیات انسانی تأثیرگذار بوده به طوری که منشأ آثار فراوانی در حیات انسان‌ها است (ر.ک: جوادی آملی، بی تا: ۱۳۰).

۳. آثار تکنولوژی مدرن

۳.۱. دنیا محوری:

دنیا مقدمه و مدخلی برای آخرت است و از این جهت نسبتی خاص بین این دو نشسته وجود دارد. وجود چنین نسبت معین و متعادلی مسیر کمال انسان را هموار می‌نماید. از طرفی برای رسیدن به کمال و تعالی انسان، به کارگیری برخی از امور دنیا، امری اجتناب‌ناپذیر است. آنچه مسلم است اینکه اشتغال بیش از حد به امور دنیوی، تعادل مورد نظر را دچار اختلال می‌کند و نه تنها دنیا، مقدمه آخرت نبوده، بلکه غایت و مقصد انسان می‌شود؛ بنابراین ضروری است امور دنیوی در حد اعتدال و در نقش ابزار مورد استفاده قرار گیرند چرا که گسترش بیش از حد ابزار و امور دنیوی، خواسته یا ناخواسته و به تدریج از جنبه ابزاری خارج شده، مبنای افعال انسان قرار می‌گیرد (شه‌گلی و خسروپناه، ۱۳۹۳: ۶۰۱). اگر پاسخ به سؤال "آیا تکنولوژی نگرشی صرفاً مادی به دنیا دارد؟" مثبت باشد می‌توان یکی از ویژگی‌های بارز تکنولوژی مدرن را دنیا محوری دانست. اگر تکنولوژی و طراحی آن با نگرشی تک بعدی و تک ساحتی انجام شده باشد انتظار دنیا محور بودن آن منطقی است. هربرت مارکوز در کتاب انسان تک ساحتی معتقد است که تفکر مابعدالطبیعه که در گذشته قلمرو اساسی و راستین اندیشه خردگرا را تشکیل می‌داد اینک به صورت تفکری غیرمنطقی و غیرعلمی معرفی شده است. اینک روزگاری رسیده که واقعیت ذاتی او از یاد رفته و تکنولوژی از دو سو او را به بردگی سوق داده است. نابودی تدریجی تفکر و چون و چرا در مسائل اساسی زندگی که نتیجه حاکمیت قهری تکنولوژی بر جوامع بازدارنده است. به زعم مارکوز بزرگ‌ترین بدبختی امروز دگرگونی مفاهیم حقیقی آدمی و طبیعت و تبدیل آن به نوعی واقعیت تکنولوژی است (مارکوز، ۱۳۶۲: ۹).

و (۱۸۰)؛ بنابراین در صورتی که تکنولوژی در زندگی انسان به گونه‌ای تحقق یابد که انسان از مسیر کمال باز ماند و به گفته مارکوز به انسان تک ساحتی مبدل شود این ویژگی از آثار نامطلوب تکنولوژی مدرن و بسط فرهنگ دنیاگروی است.

۳.۲. کثرت‌گرایی:

تکنولوژی مدرن شئون حیات دنیوی را گسترش می‌دهد به طوری که فراخی نامتعادل و نامتوازن آن، موجب کم‌رنگ شدن گروه به امور معنوی می‌شود. گسترش فرهنگ دنیامحوری توسط کثرت‌گرایی تکنولوژی، سبب گسترش اشتغال انسان شده است چنانچه قرآن می‌فرماید: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ» (تکاثر: ۱)، در این آیه؛ الهاء به معنی مشغول کردن است که این مشغولیت جلوه‌های مختلف دارد. تکنولوژی مدرن با کثرت‌گرایی به دنیاگروی دامن زده و از طرفی دنیا دار کثرت، تضاد، تشّت، تغیر، زوال و نابودی است.

بر اساس نظر هایدگر تکنولوژی مدرن هویت ما را به مجموعه‌ای از مهارت‌های مجزا تبدیل می‌سازد. بورگمن هم چیز مثبتی در نتایج تکنولوژی مدرن نمی‌یابد به جز اینکه ما را در کفش‌های مسابقه‌ای خوب و ساندویچ‌های بزرگ مک دونالد غرقه سازد. چرا که او تکنولوژی را به عنوان بالاترین شکل ذهنیت می‌بیند. تکنولوژی مدرن ممکن است هویت ما را پاره پاره کند، اما ما را به عنوان موجودات آرزومند نگه می‌دارد نه به عنوان کاشفان جهان (Dreyfus et. 2003: 323) آنچه از نظرات هایدگر و بورگمن به دست می‌آید ویژگی کثرت‌گرایی و همچنین زدایش هر گونه آرامش و امنیت است؛ بنابراین تکنولوژی مدرن ذاتاً کثرت آفرین است و قوام و دوام آن نیز به ویژگی تکاثر مربوط است. افزون بر کثرات عالم ماده کثرت دیگری (مربوط به نظام تکنولوژیک) وجود دارد و آن نبود هیچ‌گونه وحدت حقیقی در اشیا صناعی با ترکیب اعتباری است. فناوری، وحدت حقیقی ندارد، پس وجود قوی و شدید نداشته، در نتیجه نظام فاعلی و غایی هم ندارد. به طوری که با پیشرفت تکنولوژی و عرضه کالاهای صنعتی به بازار فرهنگ و مصرف، توجه علمی و انعطاف عملی جامعه به سوی موجودهای بی‌شماری است که ترکیب و تکثیر آنها مانع تحقق وحدت آنها خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۱). این مسئله زمانی به عنوان یک بحران مورد توجه قرار

می‌گیرد که نظرات به تسخیر تمام شئون زندگی توسط نظام تکنولوژیک معطوف شود. جامعه انسانی- ای که در تمام ساحت‌ها و شئون خود با ابزار و فناوری‌های بی‌هویت و کثرت‌گرا، به سر می‌برد، آرام‌آرام از درک سنن الهی، وحدت و در نهایت، نظام و غایت هستی محروم می‌شود (همان)؛ بنابراین کثرت‌گرایی از شئون نامطلوب تکنولوژی مدرن است.

۳.۳. غفلت‌زایی:

از آثار دیگر تکنولوژی مدرن، غفلت‌زایی است. کارل میچام برای تکنولوژی چهار حالت یا جنبهٔ مختلف ساخت و استفادهٔ تکنولوژیک بیان می‌کند که عبارت‌اند از: شیء، دانش، فعالیت و اراده. جهت تبیین چهار ساحت مختلف تکنولوژی در ابتدا ساخت و استفاده از ابزار و اشیا را تجزیه کرده و آن‌ها را تحت عنوان «فناوری به‌مثابه شیء» مورد نظر قرار می‌دهیم. در گام دوم به دانش و مهارت‌های ساخت و استفاده توجه کرده که همانا «فناوری به‌مثابه دانش» است. در گام سوم با فعالیتی مواجه خواهیم شد که در آن دانش فنی اشیاء و افعال مربوط به انتفاع از آن‌ها را تولید می‌کند که «فناوری به‌مثابه فعالیت» هستند. در گام چهارم وجه دیگری که غالباً از نظرها مغفول مانده مطرح می‌شود و آن «فناوری به‌مثابه اراده» است. اراده‌ای که دانش ناظر به جهان فیزیکی و در راستای طراحی محصولات فناورانه، فرایندها و سیستم‌ها مورد استفاده واقع می‌شود. چنین اراده‌ای از دریچه ظهوراتش بر فرهنگ اثرگذاری می‌کند و درعین‌حال به استمرار خود کمک می‌کند (Mitcam, 2001)^۱. نکته قابل تأمل در گفته میچام همانا «فناوری به‌مثابه اراده» است به‌گونه‌ای که بر اساس چنین ماهیتی، تکنولوژی مدرن بسترآفرینی کرده و موجب غفلت انسان از آموزه‌ها و آرمان‌های دینی می‌شود؛ بنابراین چنین فرهنگی به جهت دنیامداری و گستردگی شئون موجب غفلت‌آفرینی می‌شود و در نهایت حقیقت وجود انسان مغفول واقع می‌شود به‌گونه‌ای که جز از دریچهٔ نیازهای مادی، وجود و حقیقت انسان قابل مشاهده نیست. ابعاد این غفلت چنان گسترده است که فرصت اندیشیدن در خصوص هزینه و بهای توسعه مادی را از انسان می‌گیرد (آوینی، ۱۳۸۱: ۳۶).

۱. این مطلب در تاریخ ۱ ژوئن ۲۰۰۱ با عنوان Carl Mitcam: Philosophizing About Technology: Why Should We Bother در وبسایت اتیکس منتشر شده است.

۳.۴. اخلاق‌گریزی:

فناوری‌های مدرن، انسان را با چالش‌های اخلاقی بی‌سابقه‌ای مواجه کرده است. از طرفی قرار گرفتن خود انسان به‌عنوان «موضوع تکنولوژی» و از طرف دیگر آثار گسترده و اجتناب‌ناپذیر رواج روزافزون تکنولوژی بر روی محیط‌زیست، تصمیم‌گیری درباره نحوه توسعه و به‌کارگیری تکنولوژی را به چالش‌هایی اخلاقی بدل کرده است (زرگر، ۱۳۹۵: ۹۱). در خصوص جهت‌داری ارزشی و اخلاقی آنچه می‌توان بیان داشت حضور جهت‌ها و ارزش‌های خاص در مرحله جنینی و تقویمی فناوری (مطیع، ۱۳۹۹: ۴۷۶) امری قابل پی‌جویی است. چنانچه هانس یوناس اذعان دارد که برخی از فناوری‌های زیستی امکان‌هایی را پیش روی بشر گذاشته‌اند که سؤالاتی درباره هویت انسان را مطرح می‌کند. یکی از این فناوری‌ها؛ متوقف کردن فرایند پیر شدن است. چنین امکانی پرسش‌های جدیدی پدید می‌آورد از جمله اینکه برای استفاده از چنین تکنولوژی اولویت با چه کسانی است؟ زنده ماندن جمعیت حاضر در کره زمین چه اقتضائاتی خواهد داشت؟ این دست مسائل جدی و نوظهور جز با رجوع به اصول اخلاقی قابل پاسخ نیستند (Jonas, 1973: 46) و ما با چنین آثاری از تکنولوژی مدرن مواجهیم که اخلاق‌گریزی از بازناب آن در زندگی بشر محسوب می‌شود.

۳.۵. پوچی‌آفرینی:

با مفهوم تکنولوژیک، واقعیت هر چیزی که پیرامون انسان قرار داشت ناپدید و بشریت از اینجا و آنجا و از همه‌جا رانده و وامانده شد. انسان به هستنده‌ای بی‌جا و بی‌جایگاه که در جایی قرار ندارد و مقهور انتزاع و غیبت شده، بدل گردید. هایدیگر این واپس‌نشینی حضور را چونان واپس‌نشینی خود وجود می‌نگرد. واپس‌نشینی کامل وجود در روزگار مدرن، معنایی است که هایدیگر از واژه نیهیلیسم^۱ مستفاد می‌کرده است (مروت، ۱۳۹۳: ۸۳). «نیهیلیسم» روشنگر وضعی است که در آن، مفهوم «هیچ» دال بر غیاب چیزی است که می‌بایستی وجود داشته باشد (شایگان، ۱۳۹۱: ۱۳). در جهان تکنولوژیک، موجودات به منبعی مصرف‌شدنی و بی‌اهمیت تنزل می‌یابند که از خود، هیچ معنایی ندارند. واضع معنا در چنین جهانی، انسان است و بس؛ که نهایتاً خود نیز به منبعی برای بهره‌برداری بهینه تبدیل می‌شود. در چنین جهانی هیچ گیاهی یا حیوانی یا

اکوسیستمی نیست که برای خود دارای اهمیتی ذاتی باشد. هر آن چه هست، فاقد معنا و تنها منبعی جهت بهره‌برداری حداکثری است (برومند و حسینی، ۱۳۹۳: ۹). این در حالی است که وقتی متوجه معنای اصلی سعادت بشر شویم و روشن شود زندگی و عبودیت انسان باید با حضور معنوی خدا در ایدئولوژی و معاددانی جبران شود و نه هیچ چیز دیگر، آثار منفی تکنولوژی مدرن از جمله پوچی‌آفرینی هویدا می‌شود.

۴. شاخصه‌های فناوری مطلوب در سبک زندگی معادباورانه

۴.۱. آخرت محوری در بستر دنیا:

اسلام، دین دنیا، آخرت و برنامه عملیاتی تکامل مادی و معنوی انسان است، از طرفی دنیا مزرعه آخرت است، مسلمان کسی است که به دنیا و آخرت اهمیت می‌دهد و سرانجام، جامعه اسلامی، هنگامی به نقطه مورد نظر اسلام رسیده است که در اوج تکامل مادی و معنوی باشد. از این جهت محبت دنیا به این معنا (مزرعه آخرت بودن) ریشه در فطرت انسان دارد و از این رو، نکوهیده نیست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۷). اما توجه صرف به دنیا با اهداف دنیوی و مادی مورد تأیید دین اسلام نیست و لذا خداوند در سوره انفال از دنیامحوری و دنیاگروری انتقاد کرده و انسان را به مسئله آخرت محوری متوجه می‌کند و می‌فرماید: «... تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۶۷). جالب است که برای دنیاگرایی «عَرَضَ الدُّنْيَا» استفاده شده است که نشان دهنده ناپایداری و گذرابودن (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۵۶) دنیا است.

یکی از عرصه‌هایی که می‌تواند فرهنگ دنیاگروری را بسط دهد تکنولوژی مدرن است چرا که تکنولوژی بر اساس بسترآفرینی موجب بسط دنیاگرایی و تضعیف معادباوری می‌شود. از طرفی ترک و طرد فناوری از زندگی در بسیاری موارد امری ناممکن است. برای خروج از این بحران و چالش، نظری به سبک زندگی معادباورانه خواهیم کرد. چرا که در سبک زندگی معادباورانه ظرفیت‌گرینش یا ابداع فناوری وجود دارد (فرشادانیا، ۱۳۹۷: ۲۴۹). ممکن است این سؤال مطرح شود که صرف استفاده از ابزار و فناوری موجب دنیامحوری می‌شود؟ آنچه در این راستا مهم است اینکه این ابزار و فناوری‌ها در شئون مختلف حیات انسان به صورت نامتوازن حضور پیدا کرده است و از طرفی همراهی نظام‌مند لوازم مادی چنین ابزار و فناوری‌هایی، منجر به اشتغال گسترده انسان به ماده

می‌شود و در چنین وضعیتی، دنیا که مقدمه آخرت است مبنا و اساس افعال انسان قرار می‌گیرد (شه‌گلی و خسروپناه، ۱۳۹۳: ۶۰۲). اما در سبک زندگی معادباورانه اهداف عالیه معنوی و قدسی ترسیم شده است. وجود چنین اهداف مقدسی است که انسان را توانا می‌کند که جایگاه هر پدیده‌ای را در زندگی خود درست تعیین کند و دیگر فریب زرق و برق ابزارهای پیشرفته دنیا را نخورد. از طرفی در تکنولوژی، دانش برای رسیدن به هدفی عملی به کار گرفته می‌شود (منجمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲) معادباوری نیز بر جنبه عملی دانش به معاد تأکید دارد. سبک زندگی معادباورانه بر اساس ساختار نظام‌مند درونی و نگاه آخرت محوری در بستر دنیا فناوری مطلوب نظام خود را گزینش یا ابداع می‌کند و یکی از شاخصه‌های ایجابی چنین سبکی در عرصه فناوری توجه به رویکرد آخرت‌محوری است؛ بنابراین سبک زندگی معادباورانه با بستر آفرینی مطلوب و ارزشمند؛ به مدیریت، گزینش و ابداع تکنولوژی مطلوب و هم‌راستا با نظام خود می‌پردازد.

۲.۴. وحدت و توحیدگرایی:

قرآن کریم در آیه ۲۹ از سوره «زمر» در راستای تبیین مسئله شرک و بازناب آن در تشتت شخصیت انسان و همچنین توحید و ثمرات آن در تعالی و تکامل انسان می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا» (زمر: ۲۹). در این آیه تقابل دو نظام شرک و توحید به گونه‌ای ترسیم شده است که در نظام شرک برخلاف نظام توحیدی، انسان در هر لحظه به طرفی کشیده و متمایل می‌شود و در نتیجه چنین انسانی هیچ ثبات و قراری نخواهد داشت و ارمغان چنین نظامی همانا گروش به کثرت و تشتت است. پیش‌تر کثرت‌گرایی به‌عنوان یکی از آثار تکنولوژی مدرن تبیین گشت. در این راستا سؤال قابل‌طرح این است که آیا می‌توان در بستر تکنولوژی مدرن مسیر توحیدی و کمال را طی نمود؟ جهت تبیین مسئله مروری بر نظام تکنولوژیک می‌کنیم. برخی معتقدند که نظام تکنولوژیک و ماشینی سبب گسترش شئون و ساحت‌های حیات دنیوی گشته که از نتایج توسعه نامتوازن آن، کاهش و عدم‌گرایش به امور معنوی است. به نظر می‌رسد نظام ماشینی با ترویج فرهنگ دنیامحوری، خروج معنویت از عرصه زندگی را رقم می‌زند به گونه‌ای که برخی اندیشمندان متفطن چنین ناسازگاری شده‌اند (کارل، ۱۳۵۴: ۵۶). از طرفی نظریه‌پردازانی نظیر علی پایا در خصوص تکنولوژی دینی بر این باورند که

تکنولوژی دینی اولاً امکان‌پذیر است و ثانیاً به شرط کاربرد صحیح، واجد مطلوبیت ابزاری در جهت تقویت رویکردهای اخلاقی و دین‌مدارانه افراد است (پایا، ۱۳۹۱: ۷). براین اساس می‌توان چنین برداشت نمود که در سبک زندگی معادباورانه تکنولوژی‌ای مطلوبیت دارد که در جهت تقویت وحدت، توحیدگرایی و رویکردهای اخلاقی و دینی، ایفای نقش کند.

۳.۴. غفلت‌زدایی:

قرآن کریم در آیه‌ای علت گمراهی انسان‌ها و منحرف شدن از مسیر الهی را فراموش کردن «معاد» بیان کرده است: «... إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ آنان که از راه خدا گمراه می‌شوند؛ چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد» (ص: ۲۶). از طرفی انسانی که تنها علم و آگاهی به معاد داشته باشد، ولی آن را باور نکرده و به مرحله یقین نرسیده باشد، از انحراف، ستم و تعدی مصون نخواهد بود. در صورت تحقق سبک زندگی معادباورانه، انسان در عالمی به سر می‌برد که غایاتی دارد و جای تحقق انحراف، ستم و تعدی وجود ندارد، اما خروج از آن عالم می‌تواند نتایج معکوسی را برای شخص به بار آورد. انسان معادباور همیشه یاد مرگ را در روح و روان خود مرور می‌کند و از خدا می‌خواهد یاد آن را برای خود همیشگی کند چنانچه حضرت امام سجاد^{علیه السلام} در دعای چهلم از صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَصْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِيْبًا؛ و مرگ را پیش روی ما مجسم بدار و بر ما مپسند که لحظه‌ای از یاد آن تهی گردیم» (علی بن حسین^{علیه السلام}: ۱۳۸۹: ۲۴۹).

همچنین خداوند در خصوص سیطره شیطان و غفلت‌آفرینی می‌فرماید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطان‌اند! بدانید حزب شیطان زیان‌کاران‌اند» (مجادله: ۱۹). غفلت همه وجودشان را فراگرفت و بر آنان چیره گشت و یاد خدا را از یادشان برد؛ و چون یاد معاد همان یاد خداوند و آغاز دهنده به جهان است، با نسیان مبدأ، جریان معاد هم فراموش می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۹). از طرفی معادباوران دائماً به یاد خداوند هستند و محوریت کارها، فعالیت‌ها، انتخاب‌های آنان بر اساس رضایت خدا است. در مقابل چنین افرادی، انسان‌هایی هستند که به معاد ایمان ندارند و قرآن درباره آنان می‌فرماید: «وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ؛ و چون نزد مردم بی‌ایمان به آخرت، خدا را به یکتایی یاد کنند (آنها از ذکر حق) سخت ملول و دلتنگ می‌شوند و هرگاه ذکر غیر خدا (از بت‌ها و امور مادی) کنند خرم و دلشاد می‌گردند» (زمر: ۴۵). همچنین در سوره «ص» خداوند علت مخلص شدن پیامبران را «معادباوری» بیان نموده است: «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِي الدَّارِ» (ص: ۴۶). اگر انسان به قیامت بینش درستی پیدا کند در همان حال که در دنیا به سر می‌برد خود را در سرای ابدی و جاودان احساس می‌نماید. چنین انسانی با چنین سبکی از زندگی معادباورانه بر خلاف زمان‌زدگی که از حالات سبک زندگی مادی است، در یک حالت آرامش، بقاء و فزونی از زمان و مکان قرار می‌گیرد. بنابراین در سبک زندگی معادباورانه، زندگی معنای حقیقی می‌یابد و غفلت‌زدایی به عنوان یک شاخصه مهم در متن زندگی، ایفای نقش می‌کند. بنابراین در نظام معادباوری بر اساس غایات و امیال مشخص، هر فناوری قابل پذیرش نیست و اصولاً آن تکنولوژی-ای مطلوب است که مخالفتی با غایات این نظام نداشته باشد (ر.ک: فرشادینیا، ۱۳۹۷: ۲۴۹).

۴.۴. اخلاق‌مداری:

اخلاق به حوزه عمل و رفتار اختیاری انسان مربوط می‌گردد و در مورد این افعال به ارزش‌گذاری می‌پردازد (بشیر و هراتی نیک، ۱۳۹۰: ۲۵). ماهیت معادباوری و ارتباط آن با تمام شئون زندگی و جنبه‌های فردی و اجتماعی، نقش مهمی در حوزه اخلاق ایفا می‌کند. از نظر شهید مطهری، اثرگذاری و اثرپذیری اعتقاد بر اخلاق و رفتار و بالعکس به گونه‌ای است که اخلاق و رفتار مادی‌گرا در اعتقاد مؤثر است و برخلاف آن، مادیت در اعتقاد نیز بر اخلاق و عمل تأثیرگذار است. وجود بستر مناسب اخلاقی و عملی در داشتن باور محکم و استوار نقش مهمی دارد چرا که در فضای مساعد اخلاقی و عملی، باور و اعتقاد الهی، استمرار و استحکام بیشتری خواهد داشت. نکته مهم دیگر ناسازگاری اعتقاد و باور مادی و غیرالهی با اخلاق و عمل معنوی است. باور مادی طبیعتاً عمل و اخلاق موافق خود را می‌طلبد و در پی تحقق آن ایفای نقش می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۷۵-۱۷۰). بر اساس آنچه شهید مطهری بیان نموده می‌توان چنین گفت که تکنولوژی‌ای که فرهنگ و جهت مادی به همراه دارد سبب از بین رفتن خلق و فعل معنوی خواهد شد. چرا که تکنولوژی مدرن با بسترآفرینی بر اخلاق و ارزش‌ها اثرگذاری می‌کند. آنچه قابل تأمل است اینکه نظام

فناورانه و فعالیت‌های عملی و علمی در بالاترین درجه ستیز با معنویت در غرب ظهور کرد به‌گونه‌ای که طراح چنین فناوری‌هایی، همانا انسان‌هایی که چنان غرق در مادیات هستند که جز ماده، فراتر نمی‌اندیشند (گنون، ۱۳۴۹: ۱۲۲). اما می‌توان تکنولوژی‌ای تصور نمود که با معنویت مخالفت نکند و در آن، جنبه اخلاق‌مدارانه ملاحظه شود؟ پاسخ مثبت است. همان‌گونه که تکنولوژی مدرن بسترآفرینی می‌کند، معادباوری نیز با بسترآفرینی به دنبال تحقق اهداف و غایات خاص خود است. در نظامی که باور به معاد، زندگی دنیوی را متأثر نموده و افق نگرش انسان را فراتر از این دنیا ترسیم می‌کند؛ تکنولوژی‌ای می‌تواند نمود و بروز پیدا کند که نه تنها مخالفتی با جنبه اخلاقی و معنوی نداشته باشد؛ بلکه همسو با ارزش و اعمال معنوی انسان باشد.

۴.۵. پوچی‌زدایی:

قرآن کریم از زندگی پس از مرگ و جاودانگی انسان سخن می‌گوید و از جمله اهداف این تأکید، برانگیختن آن حس منفعت‌طلبی و تدبیر آتیه محتمل است و با تشریح، تأکید و انذار نسبت به این مسئله که مرگ، پایان راه نیست با ایجاد انگیزه‌ای مضاعف در انسان، او را مجاب می‌کند تا توشه راه ابدی را در فرصت دنیایی خود فراهم آورد. باور به اصل بنیادی معاد، یک نوع سبک زندگی خاص را پایه‌ریزی می‌کند؛ زیرا باید‌ها و نباید‌هایی که اعتقاد به معاد در انسان ایجاد می‌نماید، ساختاری خاص در مسیر زندگی را ایجاد می‌کند (آعبداله و معارف، ۱۳۹۸: ۳۴)؛ لذا اگر این جهان را بدون جهان دیگر در نظر بگیریم بی‌معنی و پوچ خواهد بود. درست به این می‌ماند که زندگی دوران جنینی را بدون زندگی این دنیا فرض کنیم. کودکی که در شکم مادر قرار دارد و در این زندان محدود و تاریک ماه‌ها زندانی می‌شود، اگر عقل و خردی داشته باشد و درباره زندگی جنینی فکر کند به‌راستی تعجب خواهد کرد که؛ چرا من در این زندان تاریک محبوسم؟ چرا باید در میان آب و خون دست و پا زنم؟ آخر عمر من چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۷).

بنابراین، اندیشه و اعمال افراد بر اساس تفاوت جهان‌بینی دو گروه مادی‌گرایان و پیروان مکتب پیامبران الهی، تأثیری بسیار عمیق در طرز تفکر و چگونگی رفتار و گفتار هریک از آنها گذارده است. پیروان مکتب مادی؛ دنیا را هدف اصلی و مقصد نهایی می‌دانند و خود را همانند حیوانی می‌پندارند که برای خویشتن حیاتی غیر از زندگی دنیا نمی‌شناسد. از این‌رو فقط به دنیا

و شئون وابسته به آن می‌اندیشد و حیات پس از مرگ را نفی می‌کند. در سوره «مؤمنون» می‌خوانیم: «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» (مؤمنون: ۳۷). جز این زندگی دنیا چیز دیگری نیست، می‌میریم و زندگی می‌کنیم و ما (هرگز پس از مرگ) برانگیخته نخواهیم شد؛ بنابراین ایمان به «معاد» باعث تعالی اهداف انسان و عدم تنزلش، به اهداف پست دنیوی و مادیات می‌شود. همچنین باور به «معاد» باعث نفی پوچی و بیهودگی از انسان می‌شود. امروزه اگر جمع کثیری در غرب به پوچی و نیهیلیسم دچار شده‌اند به جهت عدم باور به «معاد» است. سهم تکنولوژی مدرن در شکل‌گیری بی‌معنایی و پوچی زندگی (لطفی و صلواتی، ۱۳۹۹: ۱۰۷) قابل‌ملاحظه است؛ بنابراین توجه به سبک زندگی معادباورانه و ماهیت پوچ زدای آن امری ضروری است. چرا که نظام معادباوری با بسترآفرینی یک سیستم ارزشی مقبول، هرگونه پوچی از زندگی را می‌رهاند. در چنین بستری؛ زندگی انسان معنا و مفهوم می‌یابد و انسان را حسابگر خویش می‌سازد و دنیا را از حالت یک «هدف نهائی» خارج ساخته و به یک وسیله و ابزار برای دستیابی به سعادت جاویدان مبدل می‌سازد و در مواجهه با فناوری‌های موجود آن فناوری‌ای که با آن تناسب و تطابق دارد گزینش، بومی یا ابداع می‌کند (فرشادینا، ۱۳۹۷: ۲۴۹).

۵. دلالت‌ها و نتایج بحث

۵.۱. تکنولوژی مدرن؛ زمینه‌ساز تضعیف سبک زندگی دینی:

فناوری‌ها بر اساس جهت‌دار بودن و همچنین رویکرد متناسب‌سازی جهان با اهداف و غایات خود (Brian Arthur, 2009: 63) و در نهایت تسخیر انسان و جهان (ر.ک: هایدگر، ۱۳۸۹: ۱۷) در سبک زندگی افراد اثرگذاری قابل توجهی دارند (ر.ک: مارکوز، ۱۳۶۲: ۳۳). از طرفی ذات تکنولوژی موجود، ابزاری است که حداکثر توان آن پوشش حیث فیزیکی انسان است و از پرداختن به بعد روحانی انسان و طبیعت ناتوان است (شیراوند و عظیمی، ۱۳۹۶: ۲۴۸) به طوری که تکنولوژی مدرن، با بسترآفرینی و آثاری از جمله دنیامحوری، کثرت‌گرایی، غفلت‌زایی، اخلاق‌گریزی و پوچی‌آفرینی موجب تضعیف معنویات و زندگی دینی می‌شود چرا که عصر مدرن و انواع فناوری‌ها کوششی جهت رهاسازی دستاوردهای فکری، فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... از آموزه‌های دینی (خسرورپناه، ۱۳۹۲: ۱۳۰) قلمداد می‌شود. بر اساس چنین تهدید و آسیبی برای انسان دینی

از سوی آثار تکنولوژی مدرن، معادباوری است که به عنوان یک نگهدارنده و مکانیسم به مدیریت، گزینش، ابداع و تعالی فناوری‌ها می‌پردازد.

۵.۲. معادباوری؛ زمینه‌ساز فناوری مطلوب:

معاد از اصول ادیان توحیدی که باور به آن مابه‌الامتیاز تفکر و سبک زندگی دینی از تفکر و سبک زندگی غیر دینی است (رفیعی محمدی، ۱۳۹۷: ۹) به‌طوری که انسان در نظام معادباورانه به وجود نشئه‌ای فراتر از عالم دنیا معتقد است که در آن، نعمت‌ها و عذاب‌هایی با درجه و دامنه بیشتری بر اساس اعمالش در نشئه دنیوی شکل گرفته‌اند. تکنولوژی مدرن از پدیده‌هایی است که انسان معادباور با آن مواجه است به‌طوری که بین غایات چنین انسانی و نظام تکنولوژیک در بسیاری موارد تضادی بروز می‌کند. از طرفی معادباوری و نه صرفاً دانش به معاد به مثابه مکانیسمی در برخورد با تکنولوژی‌های گوناگون منفعلانه عمل نمی‌کند؛ بلکه در پاره‌ای موارد دست به رد، گزینش، ابداع و بومی‌سازی می‌نماید (فرشادنیا، ۱۳۹۷: ۲۴۹). آن‌چنان که سبک زندگی معادباورانه با شاخصه‌هایی نظیر؛ آخرت‌محوری در بستر دنیا، وحدت و توحیدگرایی، غفلت‌زدایی، اخلاق‌مداری و پوچی‌زدایی زمینه‌ساز مطلوبیت و تعالی فناوری است و از این جهت در خصوص امکان‌سنجی تحقق تکنولوژی دینی شرط استفاده از فناوری‌ها به گونه‌ای صحیح، واجد مطلوبیت ابزاری و در راستای تقویت مقوله‌های دین‌مدارانه افراد تلقی می‌شود (ر.ک: پایا، ۱۳۹۱: ۷)؛ لذا سبک زندگی معادباورانه به مثابه مکانیسمی است که از کارکردهای آن گزینش، ابداع و بومی‌سازی فناوری است.

۶. نتیجه‌گیری نهایی

در این مقاله ابتدا ماهیت و مفهوم فناوری (تکنولوژی) تبیین شد. سپس نویسندگان به بررسی و تعیین نسبت معادباوری و تکنولوژی پرداختند. سپس آثار تکنولوژی مدرن و در نهایت شاخصه‌های فناوری مطلوب در سبک زندگی معادباورانه تبیین گشت. برخی یافته‌ها عبارت‌اند از؛

- تعیین نسبت دین‌مبین اسلام بر اساس رسالت، اهداف و موضع فعال (و نه از باب انفعال) با تکنولوژی مدرن و در نظر گرفتن دیدگاه‌های ابزاری، استقلالی و تعاملی، بررسی و مقایسه معادباوری و تکنولوژی موجه می‌شود.

- از آثار تکنولوژی مدرن همانا؛ دنیامحوری، کثرت‌گرایی، غفلت‌زایی، اخلاق‌گریزی و پوچی آفرینی است.
- برای خروج از بحران حاصل از تکنولوژی مدرن، لازم است انسان، نسبت خود با تکنولوژی را بر اساس سبک زندگی معادباورانه بازبینی نماید.
- آخرت‌محوری در بستر دنیا، وحدت و توحیدگرایی، غفلت‌زدایی، اخلاق‌مداری و پوچی‌زدایی از ویژگی‌های فناوری مطلوب در سبکی زندگی معادباورانه است. سبک زندگی معادباورانه با بستر آفرینی، شاخصه‌های تکنولوژی مدرن را تضعیف و مدیریت کرده و از این رهگذر فناوری را سازگار با اهداف و غایات نظام معادباوری می‌کند. بر اساس چنین سبک و نظامی می‌توان در مواجهه با فناوری‌های موجود دست به انتخاب، گزینش، ابتکار و بومی‌سازی زد.

منابع

- قرآن کریم.
- عبدالله، معصومه و معارف، مجید (۱۳۹۸)، «تأثیر باور به معاد در سبک زندگی با محوریت سوره غافر»، بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۶، شماره ۵۱، صص ۴۷-۳۳.
- آوینی، مرتضی (۱۳۸۱)، آغازی بر یک پایان. چاپ دوم، تهران: ساقی.
- برومند، خشایار و حسینی، سید حسن (۱۳۹۳)، «بررسی رویکرد هاییدگر در مواجهه با تکنولوژی، غرب شناسی بنیادی»؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۵، شماره ۱، صص ۲۲-۱.
- بشیر، حسن و هراتی نیک، محمد رضا (۱۳۹۰)، «الگو مفهومی ارزیابی فرهنگی- اخلاقی راه‌حلهای فناوری اطلاعات»، اخلاق در علوم و فناوری، سال ۶، شماره ۱، صص ۲۵-۳۴.
- پایا، علی (۱۳۹۱)، «تکنولوژی دینی: چیستی و امکان تحقق، روش شناسی علوم انسانی»، سال ۱۸، ش ۷۳، صص ۵۲-۷.
- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله سید محمد مهدی میرباقری، نشانی اینترنتی <http://mirbaqeri.ir>.
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۰)، معاد در قرآن، جلد ۴، قم: نشر اسراء.
- _____ (۱۳۸۷)، فطرت در قرآن، چاپ پنجم، قم: اسراء.
- _____ (۱۳۹۰)، تفسیر موضوعی قرآن؛ معاد در قرآن، جلد ۴، قم: انتشارات اسراء.
- _____ (بی‌تا)، یاد معاد، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، کتابخانه مجازی مدرسه فقهت.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲)، «سلام و مدرنیته»، کلام اسلامی، سال ۲۲، شماره ۸۶، ۱۲۵-۱۴۰.

- رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۹۷)، «تأثیرات معادباوری در حیات دنیوی انسان از منظر نهج البلاغه»، پژوهش‌های نهج البلاغه، سال ۱۷، شماره ۵۹، ۲۲-۹.
- زرگر، زهرا (۱۳۹۵)، «پاسخگویی اخلاق اسلامی به چالش‌های اخلاقی برآمده از تکنولوژی مدرن»، راهبرد فرهنگ، سال ۹، شماره ۳۴، ۱۱۳-۹۱.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۱)، آسیا در برابر غرب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شه‌گلی، احمد (۱۳۹۸)، «صورت‌بندی مسئله جهت‌داری تکنولوژی»، غرب‌شناسی بنیادی، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۱.
- شه‌گلی، احمد و خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۳)، «بررسی نسبت فطرت بشری با نظام تکنیکی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۸، شماره ۴، صص ۶۱۰-۵۹۳.
- شیرواند، محسن و عظیمی، سید امین (۱۳۹۶)، «بررسی تکنولوژی و اخلاق فناوری در پرتو تبیین عناصر حوزه انسان‌شناسی دینی»، انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۴، شماره ۳۷، ۲۵۰-۲۲۵.
- صدیقی، مجتبی؛ هرسیج، حسین و مسعودنی، حسینی (۱۳۹۶)، «بررسی نسبت پیشرفت علمی در جمهوری اسلامی با علم و تکنولوژی غربی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۵۰-۲۷.
- علی بن حسین (ع) (۱۳۸۹)، صحیفه سجادیه، ترجمه میرزا ابوالحسن شعرانی، چاپ چهارم، تهران: اشکذر.
- فرشادنی، یوسف (۱۳۹۷)، «معادباوری به مثابه مکانیسمی جهت‌گزینش یا ابداع فناوری»، اولین همایش بین‌المللی دین، فرهنگ و فناوری، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کارل، آلکسیس (۱۳۵۴)، انسان موجودی ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، تهران: بی‌نا.
- گنون، رنه (۱۳۴۹)، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، تهران: دانشگاه تهران.
- لادریر، ژان (۱۳۸۰)، رویارویی علم و تکنولوژی با فرهنگ‌ها، ترجمه پروانه سپرده، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات.
- لطفی، زهرا و صلواتی، عبدالله (۱۳۹۹)، «مکانات درونی فلسفه ی ملاصدرا در مواجهه با پوچی فضای مجازی»، اندیشه دینی، سال ۲۰، شماره ۱، پیاپی ۷۴، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- مارکوز، هربرت (۱۳۶۲)، انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن مویدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، دنیا و آخرت از نگاه قرآن و احادیث، قم: مرکز تحقیقات دارالحدیث، کتابخانه مجازی فقاقت.

- مروت، علی اصغر (۱۳۹۳)، پرسش‌هایی در باب «پرسشی در باب تکنولوژی»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال ۱۵، شماره ۴، شماره پیاپی ۶۰، صص ۱۰۳-۷۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *فلسفه اخلاق*، چاپ یازدهم، بی‌جا: صدرا.
- _____ (۱۳۷۳)، *معاد*، شورای نظارت بر نشر آثار استاد شهید مطهری؛ کتابخانه مجازی فقاقت.
- _____ (۱۳۷۴)، *اسلام و مقتضیات زمان*، چاپ دهم، تهران: صدرا.
- مطیع، حسین (۱۳۹۹)، «آیا فناوری از لحاظ ارزشی جهت دارد؟»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۴، شماره ۲، صص ۴۵۹-۴۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، *معاد و جهان پس از مرگ*، قم: سرور.
- _____ (۱۳۹۴)، *ده درس معاد شناسی*، قم: نسل جوان.
- منجمی، علیرضا (۱۳۹۴)، «تأملی در گفتگوی فلسفه علم و فلسفه تکنولوژی: موانع و راهکارها»، روش شناسی علوم انسانی، سال ۲۱، شماره ۸۵، صص ۱۰۵-۹۱.
- منجمی، علیرضا؛ آیت الهی، حمیدرضا و مهدی معین زاده (۱۳۹۲)، «طبی سازی به مثابه تکنولوژی تبیین و نقد با توجه به آرای هایدگر، برگمان، و فینبرگ در باب فلسفه تکنولوژی»، فصلنامه علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره ۲، ۹۹-۱۱۸.
- وود وارد، کاتلین (۱۳۸۶)، *هنر و فن*، ترجمه محمد سیاهپوش، در مجموعه فرهنگ و تکنولوژی، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- هایدگر، مارتین (۱۳۷۵)، *پرسشی در باب تکنولوژی*، ترجمه محمد رضا اسدی، تهران: موسسه اندیشه.
- _____ (۱۳۸۹)، *پرسش از تکنولوژی؛ در فلسفه تکنولوژی*، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: مرکز.
- Brian Arthur, W (2009), *THE NATURE of TECHNOLOGY What It Is and How It Evolves*, ALLEN LANE an imprint of PENGUIN BOOKS.